

# کار آفرینی هنر و توسعه اقتصادی آیا هر شهری می تواند همتای آستن باشد؟

مترجم: حمیدرضا شش جوانی

رونی جی. فایین



انتشارات  
علمی و فرهنگی

۱۳۹۵



## فهرست مطالب

مقدمه نویسنده برای خوانندگان فارسی زبان.....	نه
درآمد.....	سیزده
فصل نخست: کارآفرینی هنر چیست؟.....	۱
تعریف صنایع خلاق.....	۶
تأثیر صنایع خلاق.....	۱۱
تعریف اقتصاد خلاق.....	۱۷
کارآفرینی هنر.....	۱۸
جغرافیا و کارآفرینی هنر.....	۲۱
هنرها مستثنا هستند؟.....	۲۳
فصل دوم: ویژگی‌های کارآفرین هنر کدام‌اند؟.....	۲۷
کارگرانی استمارشده یا کارآفرینانی آتی‌دار؟.....	۳۵
فصل سوم: مناسب‌ترین راهکارها در شهرهای مشوق کارآفرینان هنر کدام‌اند؟.....	۳۷
تعریف شهر خلاق.....	۳۸
مسائل شهر خلاق.....	۴۱

- ۴۳ ..... از نیروی کار خلاق تا شهر خلاق.....
- ۴۵ ..... نمونه‌هایی از مطالعه‌های موردی شهرهای خلاق.....
- ۵۸ ..... تا کنون چه آموخته‌ایم؟.....
- فصل چهارم: دولت چه نقشی در گسترش کارآفرینی هنر می‌تواند داشته باشد؟.....
- ۶۱ ..... فصل پنجم: آیا آموزش و تربیت حرفه‌ای موجب افزایش تعداد کارآفرینی می‌شود؟.....
- ۶۷ ..... فصل ششم: کارآفرینی هنر چه آینده‌ای دارد؟.....
- ۷۷ ..... برای نامه‌نویسی به انگلیسی.....
- ۸۱ ..... منابع.....
- ۸۵ ..... نمایه.....
- ۹۷ .....

## مقدمه نویسنده

### پانزدهم - نوآندگان فارسی زبان

در بیشتر سال‌های قرن بیستم، خط تهنید کارخانه‌ها نیروی مهمی در رشد اقتصادی به شمار می‌آید. همین امر سیاستی را متداول کرد که در آن شهرها با بخشودگی مالیاتی بیشتر برای جابه‌جا کردن این صنایع با یکدیگر رقابت می‌کردند. صنایع آمریکایی که در نهایت سود خالص آن‌ها برای مملکت چندان نبود. طی سالیان اخیر این سیاست نه تنها در ایالات متحد، بلکه در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته امری که چنین تغییری را ضروری ساخت، پیدایش «اقتصاد دانش‌بنیان» بود که بر خلاقیت و سرمایه‌انسانی به عنوان فاکتورهای اساسی رشد اقتصادی تأکید می‌کرد و جست‌وجو برای مشاغل بهتر و محیطی پاکیزه‌تر را برپا می‌داد. در این میان بسیاری از شهرها «هنر» را به عنوان پایه‌ای برای رشد دوباره در قرن ۲۱ انتخاب کرده‌اند.

شهر آستن در ایالات متحد نمونه‌ای است برای اینکه بفهمیم این راهبرد جدید تا چه اندازه موفقیت‌آمیز است. آستن در پیمایش‌های ملی مرتب به عنوان یکی از بهترین شهرهای ایالات متحد برای زندگی

برگزیده می‌شود. این شهر موقعیت جغرافیایی ممتازی دارد و از سال ۲۰۰۰ تا کنون، جمعیت ناهمگونش ۲۰٪ رشد داشته است. آستن مرکز ایالتی نفت خیز و خاستگاه یکی از بهترین دانشگاه‌های دنیاست. با این همه، بسیاری بر این باورند که آنچه موجبات رشد اقتصادی این شهر را فراهم آورده چیزی نیست جز شعاری که مسئولان شهر در دهه ۱۹۹۰ برای آن انتخاب کرده‌اند: «آستن پایتخت موسیقی زنده جهان». شواهد نشان می‌دهند که موفقیت آستن را می‌توان در شهرهای دیگری در دنیا تکرار کرد. برای چنین موفقیتی نمی‌توان نسخه‌ای تضمینی پیچید، اما دست کم می‌توان چهار درس کلیدی از موفقیت این شهر آموخت:

۱. بدان بیشتر به آنچه خلق می‌کنند می‌اندیشند تا اینکه چه بهای آن پرداخت می‌کنند. با این همه، باید درآمدی کافی داشته باشند تا بتوانند درآمد خود را تمام وقت صرف کوشش‌های هنری کنند. اگر هنرمندان مجبور به کار در مشاغل دیگر باشند، به همان نسبت مشارکتشان در اقتصاد شهر کم می‌شود. در عوض هنرمندانی کم درآمد و ناخرسند خواهیم داشت که منبع تعداد کمی فرصت طلب بی‌هنر را برآورده خواهند کرد؛

دوم، برای داشتن سیاستی مرئی، با متهمان نقش دولت - خواه محلی باشد خواه منطقه‌ای یا ملی - راجع به خصوصی تعادلی برقرار کرد. همه اقشار جامعه باید مشارکت داشته باشند و از آن سیاست حمایت کنند، نه اینکه تصور شود فقط سیاست‌گذاران به‌عنوان هنری عناصر کلیدی موفقیت در اجرای آن هستند؛

سوم، مکان، امر مهمی است و تاریخ شهر می‌تواند سکوی پرستی باشد برای تحولی بنیادین در اقتصاد و فرهنگ. شهرهای صنعتی مهمی مثل منچستر در انگلستان و دیترویت در ایالات متحد، حیات دوباره‌شان را از راه کار آفرینی موسیقی به دست آورده‌اند. مردم باید به دنبال چیزی باشند که در شهرشان یکه بوده است، چیزی که با آن بتوان کار آفرینان هنر را برای شکوفایی اقتصادی برانگیخت؛

چهارم، اگرچه نمی‌توان همگان را آموزش داد تا موسیقی‌دان، نقاش یا نویسنده بزرگی شوند، آموزش و تربیت نقش بسیار مهمی در موفقیت از طریق هنر دارند. مؤسسات آموزشی دانشگاهی و مدارس فنی، بسترهای بی‌بدیلی هستند که به ایجاد کارآفرینان هنری کمک خواهند کرد. سیستم‌های سیاسی و فرهنگی مختلف از هنر بهره می‌گیرند تا دنیای بهتری بسازند. این نوشته قصد دارد به شهرهای بیشتری کمک کند تا رفقا باشند و در نهایت دنیای بهتری برای همگان بسازند.

رونی جی. فیلیپس

## درآمد

در نظر بسیاری، آستن، نمونه شهری ایدئال برای قرن بیست و یکم است. جمعیتی متنوع با تنوع نژادی بالا، موقعیت جغرافیایی مطلوب و امکانات فرهنگی فراوان، اسس را به مکان دلخواه برای کار و زندگی بدل کرده است. بسیاری بر این باورند که صحنه پرشور موسیقی در آستن و انتخاب شعار «پایتخت موسیقی زنان، جهان» تا اندازه بسیاری باعث موفقیت این شهر در جذب شرکتها و کارآفرینان دانش بنیان شده است. این ایده که هنر به بهبود تصویر بیرونی و زندگی فرهنگی شهر کمک می کند، از مدت ها پیش رایج بوده است، اما بعد از انتشار کتاب برآمدن طبقه خلاق<sup>۱</sup> ریچارد فلوریدا<sup>۲</sup> در ۲۰۰۲ بسیار از مدیران شهری، فعالان توسعه و عمران محلی و مدافعان هنر، این یک افتادند که از ترویج هنر راهی به توسعه اقتصاد محلی باز کنند. به هر روی، ایده فلوریدا درباره طبقه خلاق چیزی بیش از ترویج هنر بود. ایده این بود که فناوری، استعداد و تساهل، عناصری از شهر خلاق هستند که به جذب کارآفرینان و دیگر اعضای «طبقه خلاق» کمک

1. *The Rise of the Creative*

2. Richard Florida

می‌کنند و از همین رو پایه‌ای برای رشد اقتصادی در اقتصاد دانش‌بنیان قرن بیست و یکم فراهم می‌آورند.

اما در اساس مسئله این است: آیا منطقه‌هایی با آهنگ‌ساز و نوازنده بیشتر، با تعداد بالاتری از هنرمندان، نمایش‌نامه‌نویسان یا نویسندگان، رشد اقتصادی بالاتری هم دارند؟ خواه این رشد با اندازه‌هایی معمول مثل رشد درآمد، رشد اشتغال و افزایش کیفیت زندگی سنجیده شود و خواه با مواردی آزمون شود که مردم آن‌ها را در زندگی‌شان مهم می‌دانند. هنرها چقدر در ایجاد شهر خلاق نقش دارند و آیا می‌توان از کارآفرینان هنری همچون راهی به شهر خلاق استفاده کرد؟ آیا جذب افراد خلاق منجر به اشتغال در صنایع هنری می‌شود یا اینکه تأثیرات بیشتر در...

کتاب فلوریدا جزیره رفروش‌ها شد و فصل‌نامه‌های تخصصی بسیاری از آن تعریف 5. دانه از منتقدان راست و چپ سیاسی در امان نماند. ادوارد گلاسر، مترجم برجسته اقتصاد محلی در هاروارد، در عین اینکه کتاب را جالب توصیف کرد، اعتقاد دارد وقتی داده‌های فلوریدا درباره شاخص تنوع و هنرمندان بوهمی<sup>1</sup> را به محک سرمایه‌انسانی بزنیم، سنجه‌های آماری مناسبی برای توضیح رشد شهرها به حساب نمی‌آیند (Glaeser, 2005). گلاسر بر فایده‌ها را در حکم همه‌فهم کردن ایده اصلی توسعه شهری می‌داند؛ این ایده آنکه سرمایه‌انسانی برای رشد اقتصادی امری حیاتی است. مسئله چالش برانگیز این است که آیا اضافه کردن عامل تنوع جمعیت بر حسب فرهنگ و جنسیت بیرون بر سنجه‌هایی چون تحصیلات و آموزش‌های حرفه‌ای، تأثیر مثبت توسعه اقتصادی دارد؟ ممکن است منتقدان سیاسی چپ به خاطر عمده کردن نقش دولت و مالیات‌بندی با فلوریدا هم‌دل باشند، اما نگرانی‌هایی هم در مورد آوارگی اجتماعاتی دارند که مناسب رهنمودهای فلوریدا در توسعه

1. Edward Glaeser

2. Bohemian artist

اقتصادی هستند. آثار بعدی گلاسر و افراد دیگر، موجب تشکیک بیشتر نسبت به ایده‌های اصلی فلوریدا شد (Glaeser and Resseger, 2010; Glaeser, 2009; Glaeser et al., 2009).

راهبردهای توسعه اقتصادی برخاسته از تحلیل‌های فلوریدا، در همه زمینه‌ها نقش بیشتری برای دولت قائل هستند، از این رو موجب انتقاداتی از طرف مدافعان سیاست‌های معطوف به بازار و کم کردن نقش دولت شده است. مالانگا استدلال می‌کند شهرهایی که بر اساس نظرات فلوریدا، راهبرد تلاش برای جذب تنوع را به عنوان راهی برای توسعه اقتصادی ایجاد کرده‌اند، به بیراهه کشیده می‌شوند (Malanga, 2004). نتیجه این کار، در بیشتر اوقات استفاده از مالیات مشاغل و مالیات عمومی برای ترویج سیاست‌های اترتمای تنوع و تقویت فعالیت‌های فرهنگی بوده است. اما همان‌طور که مالانگا اشاره می‌کند، اگر اشتغال را در نظر بگیریم، آیا چنین سیاست‌های باز با مجموع صفر<sup>۱</sup> به شمار نمی‌آیند؟ آیا می‌صرفد که نرخ اشتغال در صنایع دیگری بخش‌های خدماتی به خاطر افزایش مالیات پایین بیاید، اما در عوض مشاغل موسیقی بیشتری داشته باشیم؟ به هر ترتیب مالانگا توصیه‌های فلوریدا را جانب‌داری از توسعه اقتصادی دولتی به سبک جنبش عصر اطلاعات می‌داند.

ورای این مجادله‌ها، تبیین فلوریدا از برآیند طبقه خلاق، موجب شد تا مباحثاتی میان دانشگاهیان و هواداران این سیاست در همه سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی آغاز شود. نقد کار فلوریدا در طیف‌های سیاسی متفاوت، فهم عمیق‌تری از راهبردهای توسعه اقتصادی و نقش دولت در تقابل با بازار و ابزار مناسب در راهبردهای موفق به دست داد. بی‌شک موفقیت شهرهایی مانند آستن در دهه ۱۹۹۰ نیز سبب تقویت این ایده شد که هنرها عنصر کلیدی شهر خلاق هستند. مجادلات و مباحثات پیش گفته در دهه گذشته ادبیاتی غنی ایجاد کرده است. هدف مطالعه

حاضر نیز بازمینی ادبیات دانشگاهی موضوع در مجلات تخصصی  
کارآفرینی هنر و یافتن پاسخی برای پرسش‌های زیر است:

۱. کارآفرینی هنر چیست؟
۲. ویژگی‌های کارآفرینان هنری کدام است؟
۳. بهترین راهبردهای شهری در تقویت کارآفرینی هنر کدام‌اند؟
۴. نقش درست دولت در تقویت کارآفرینی هنر چیست؟
۵. آیا آموزش و تربیت حرفه‌ای موجب افزایش کارآفرینان هنری خواهد شد؟
۶. آینده کارآفرینی هنر چه خواهد بود؟